

هدف از نگارش این مقاله بررسی جایگاه ادبیات علمی - تخیلی در گستره ادبیات داستانی بیست سال اخیر، یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است. همچنین در این مختصر به بررسی تغییر و تحول و پیشرفت این شاخه ادبی، نقاط ضعف و دلایل آن می پردازیم تا در نهایت ضمن مقایسه میزان تغییر و تحول ادبیات علمی - تخیلی با جریان و پیکره اصلی ادبیات داستانی^(۱)، جایگاه جدید این شاخه ادبی را نیز شناسایی کنیم. طبعاً و بنا به ضرورت به معرفی ادبیات و اندیشه علمی - تخیلی و سابقه آن در دوران پیش از انقلاب نیز، هر چند کوتاه، خواهیم پرداخت.

۱ - ادبیات علمی - تخیلی

شاید بدون اغراق بتوان ادعا کرد که به تعداد نویسندگان برجسته علمی - تخیلی در آمریکا و اروپا، تعریف از داستان یا ادبیات علمی - تخیلی و یا فراتر از آن، از اندیشه علمی - تخیلی، مطرح شده است. البته در این مختصر به هیچ وجه قصد ندارم که تمام آن تعاریف را مطرح کنم و به نقد بکشم.^(۲) اما تذکر یک نکته ضروری است: تعریف هر نویسنده نایمی از افکار و نظرات و کاربری او از این شاخه ادبی است. به همین دلیل می توان گفت که اغلب این تعاریف به لحاظ کاربری گرچه درست هستند، به لحاظ نظری و تعیین «حد و فصل»ها ناقصند.

با نگاهی کلان به داستانهای کوتاه و رمانهای علمی - تخیلی می توان موارد اصلی کاربری این شاخه ادبی را به شرح زیر برشمرد:

الف - بیان نظریه های علمی ثابت شده یا ثابت نشده در قالب داستان و ارائه پیش بینی هایی از آینده و پیشرفت

آتی علم و فن آوری و گمان زدن علمی درباره مسائل علمی، انسانی و اجتماعی - در گذشته، حال یا آینده.

اغلب نویسندگانی که از این کاربری استفاده کرده اند، دانشمندانی شناخته شده در علوم فیزیک - ریاضی و نجوم هستند، یا دست کم در یکی از رشته های علمی تخصص بسیار دارند. تعدادی از این نویسندگان عبارتند از ژول ورن، هوگو گرنسبک، آرتور سی کلارک، ایزاک آسیموف، لری نیون، کریگوری بنفورد، بل اندرسون، دیوید برین، جنتری لی.

همین کاربری است که عده زیادی از جوانان را به سمت علم و تحقیق و طرح سؤال جذب و جلب می کند. لازم است تاکید کنم که تعداد زیادی از دانشمندان امروز غرب، در دوران جوانی با عشق و علاقه و کنجکاوی فراوان، داستانهای علمی - تخیلی مطالعه می کرده اند.

ب - بیان تاثیر نظرات علمی و پیشرفت علم و فن آوری، و گاه حتی سقوط و نزول علم تجربی، بر جوامع و انسانها در آینده، به منظور شناسایی مشکلات نسلهای آینده و ارائه راه حل های نظری و اعلام خطر به جوامع در قالب داستان.

شاید تعجب آور باشد، اما حقیقت این است که مسائلی مانند آلودگی محیط زیست و ازدیاد جمعیت، تسلط ماشین بر انسان و الینه شدن، تاثیر مخرب رایانه ها بر روح و روان و رفتار انسانها، و اثرات پیشرفت لگام گسیخته و بی هدف صنعت و سرمایه داری برای نخستین بار در همین داستانهای علمی - تخیلی مطرح شده اند. به همین دلیل است که عده ای به درستی ادبیات علمی - تخیلی را یکی از انسانی ترین شاخه های ادبیات داستانی می دانند.

در این گروه می توان به نویسندگانی مانند رابرت ا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هینلین، روبرت سیلوربرگ، ری برادبری، فرانک هربرت، اچ. جی. ولز، فیلیپ ک. دیک، هری هریسون، کارل چاپک اشاره کرد.

پ- ایجاد بهت و شگفت زدگی و برانگیختن حیرت و غافلگیر کردن خواننده و ایجاد تعلیق، شاید این یکی از مهمترین کاربریهای اولیه 'چنین داستانهایی باشد که به طور ویژه در داستانهای کوتاه خودنمایی می کند. حالت شگفت زدگی در خواننده با ایجاد چرخشهای ناگهانی و غیرمنتظره در طرح داستان، آن هم به دلیلی منطقی و علمی به دست می آید. به همین دلیل است که چنین داستانهایی از جذابیت خارق العاده ای برخوردار هستند.

بدون تردید یکی از مهمترین استادان استفاده از این کاربری، ادگار آلن پو است و اغلب داستانهای علمی - تخیلی او چنین خصلتی دارند. او انگیزش بهت را حتی به داستانهای پلیسی نیز تعمیم داد و آگاتا کریستی نیز به او تاسی جسته است.

علاوه بر او می توان از نویسندگان دیگری نام برد؛ از جمله، ری برادبری،^(۲) ایزاک آسیموف.

البته ادبیات علمی - تخیلی کاربردهای دیگری هم دارد که به دلیل اجتناب از حاشیه روی از اصل مطلب، از ارائه آنها پرهیز می کنم.

در داستانهای علمی - تخیلی گاه جنبه 'داستان پردازی یا قصه گویی یا ماجراپردازی غالب است، گاه مباحث نظری و علمی خط قالب بر داستان می شود و گاه نویسنده بیش از هر چیز به بیان تخیلاتش می پردازد. تقویت ماجراسازی و قصه گویی، رمان علمی - تخیلی را به پیکره اصلی ادبیات داستانی نزدیک می کند، به گونه ای که گاهی فقط به وسیله 'کارشناسان قابل تشخیص می شوند.

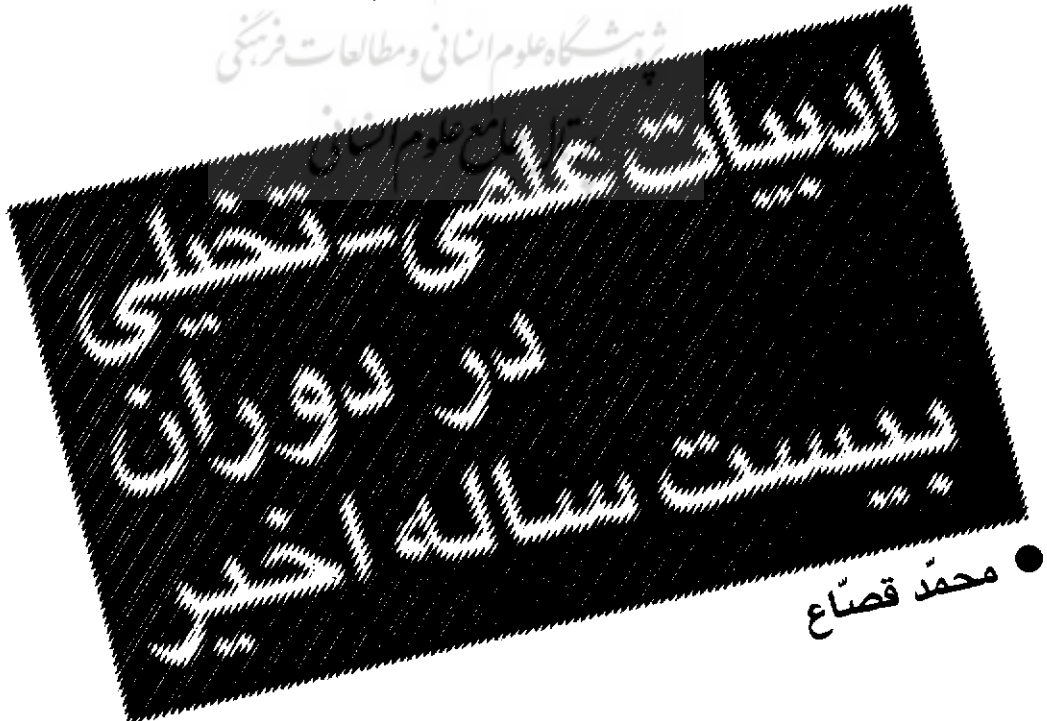
از طرفی دیگر، تقویت بُعد تخیلی، داستان را به سمت شاخه 'ادبی تخیلی یا فانتزی سوق می دهد.^(۳) هر گاه مسائل علمی داستان، اصول ثابت شده علمی باشد، آن را داستان علمی می نامند. به هر حال شدت و ضعف هر بُعد، یعنی داستانی، علمی، و تخیلی آنها را از ادبیات علمی - تخیلی دور نمی کند، بلکه در مجموع طیفی از داستانهای علمی - تخیلی با شدت و ضعف در زمینه های متفاوت به وجود می آید.

۴- مضامین و عناصر داستانهای علمی - تخیلی

واقعیت این است که هر خواننده ای با دانستن تعاریف و کاربریهای داستانهای علمی - تخیلی نمی تواند به توانایی تشخیص و شناسایی این گونه داستانها دست یابد. به عبارت بهتر تشخیص و شناخت محتوایی برای هر کسی مقدور نیست، مگر کارشناسان. اما شناخت و شناسایی ظاهری، کاری ساده تر و برای همگان دست یافتنی تر است. این شناخت ظاهری با دانستن عناصر و مضامین داستانی علمی - تخیلی میسر است.

بنابراین به منظور تکمیل مقدمه و یاری خوانندگان محترم، مهمترین عناصر و مضامین مطرح در ادبیات علمی - تخیلی را بدون توضیح و تفسیر، نام می بریم:

- ۱- سفر در زمان
- ۲- سفر در فضا و سیارات و کهکشانهای دیگر
- ۳- سفر در زمان و فضا
- ۴- سفر به ابعاد دیگر
- ۵- داستانهای آرمانشهری، ضدآرمانشهری و زمانشهری



محمد قصّاع

۶- روباتها

۷- جنگهای فضایی

۸- خلق یا اکتشاف دنیاهای جدید

۹- زمین‌گونه سازی^(۶)

۱۰- موجودات بیگانه یا فضایی در انواع هوشمند یا

غیرهوشمند، جانوری، گیاهی، متخاصم، دوست یا بی‌اعتنا

۱۱- اصلاح و تغییر ژنتیکی

۱۲- ابرانسانها

۱۳- نیروهای ویژه، انسانی مانند تله پاتی، روحی و...

۱۴- علوم فضایی، اخترشناسی

۱۵- سفینه های فضایی

۱۶- اسلحه های پرتویی، غیرمتعارف و نو

۱۷- مبارزه علمی با بلایا و جبرهای طبیعی

۱۸- حکومت واحد جهانی

۱۹- ارائه پیشنهادهاى علمى غیرمتعارف مانند

آسانسور فضایی و...

۲۰- مسکونی سازی سیاره های دیگر

۲۱- ایستگاههای فضایی

۲۲- نخستین تماس و برخورد با موجودات فضایی و

چگونگی آن

...

تعداد عناصر و مواد داستانی علمی - تخیلی بسیار

زیاد و متنوع است و با ظهور هر نویسنده مبتکر جدید بر

تعداد آن افزوده می شود. ما در اینجا فقط به موارد عمده

اشاره کردیم. البته لازم به ذکر است که در رمانها، اغلب از

ترکیبی از تعدادی از عناصر فوق استفاده می شود.

۳- انقطاع یا گسستگی تاریخی^(۶)

اکنون با دستیابی به دو شناخت محتوایی و ظاهری از

ادبیات علمی - تخیلی ضروری است پیش از ورود به اصل

مطلب، به اصلاح و تصحیح یک تصور عمومی اشتباه

درباره شروع ادبیات علمی - تخیلی در ایران بپردازیم.

همه علاقه مندان به این شاخه ادبی و کسانی که

موجودیت و ارزش این شاخه ادبی را به رسمیت

نمی شناسند و آن را حتی مضر هم می دانند، درباره زمان

و چگونگی ظهور و رشد ادبیات علمی - تخیلی در ایران

اشتراک نظر دارند. آنها معتقدند ادبیات علمی - تخیلی از

پنج یا در نهایت شش دهه پیش با ترجمه آثار ژول ورن

وارد ایران شد و با استقبال جوانان، و نیاز روزافزون

بازار به این گونه کتابها و داستانها باعث افزایش ترجمه

چنین داستانهایی شد. آنها نیز مانند کارشناسان و منتقدان

غربی بر این باورند که ادبیات علمی - تخیلی جدید در

اواخر قرن هجدهم میلادی در اروپا متولد شده و در آمریکا

رشد یافته است و در ایران هیچ سابقه و ریشه ای ندارد و

وارداتی است. در اینجااست که آنها به دو دسته تقسیم

می شوند. عده ای به آن علاقه مند شده و خواهان واردات

بیشتر هستند و عده ای دیگر با نگرانی خواستار توقف

واردات و تعطیلی این شاخه ادبی هستند و انواع و اقسام

برجسبها، که گاه هیچ ربطی به نقد ادبی ندارند، بر آن

می زنند.

ولی آیا به راستی این گمان صحیح است؟ آیا ادبیات

ایران - چه ادبیات کهن و چه ادبیات معاصر پارسی - با

آنچه که امروزه ادبیات علمی - تخیلی نامیده می شود،

بیگانه است؟ و آیا به راستی این شاخه ادبی در ایران

بی ریشه است؟ با کمی تحقیق و تفکر به راحتی و با

اطمینان خاطر می توان گفت که این گمان، اشتباه و

خطاست. بروز چنین اشتباهی ناشی از دو دلیل مهم است.

نخست عدم آشنایی و شناخت محتوایی از ادبیات علمی -

تخیلی، و دیگر نادیده گرفتن موقعیت زمانی و مکانی

نویسندگان و زمان نگارش داستانها.

اگر با دو ابزار فوق به ادبیات کهن و معاصر پارسی

رجوع کنیم، می توانیم تعداد زیادی داستان علمی - تخیلی

بیابیم - البته بدون آنکه چنین نامی بر خود داشته باشند -

از جمله داستان پرواز کیکاووس و جام جم در «شاهنامه»

فردوسی و داستان حسی بن یقظان که به وسیله چند

نویسنده از جمله ابن سینا نوشته شده است.

این گونه داستانها با پیشرفت علوم تجربی در دنیای

اسلام ظهور و بروز یافتند و رشد کردند و با رکود و نزول

آن، به خاموشی گراییدند. تا همین پنجاه یا شصت سال

پیش، و از حدود نیم قرن پیش که ایرانیان، بار دیگر به

فراگیری علم روی آوردند، زمینه برای ظهور داستانهای

علمی - تخیلی نیز فراهم شد. با توجه به اینکه حیات

ادبیات علمی - تخیلی وابسته به حیات و گسترش و پیشرفت علم است، ورود و ظهور مجدد این گونه داستانها همگام با پیشرفت علم در ایران، همراه و اجتناب ناپذیر شد.^(۷) پس در واقع در ایران آنچه بر این شاخه ادبی رفته است، انقطاع یا گسستگی تاریخی است، نه عدم وجود سابقه تاریخی.

۴- ظهور داستانهای علمی - تخیلی جدید در ایران

به نظر می‌رسد نخستین آثار علمی - تخیلی که به زبان فارسی ترجمه شد، کتابهای ژول ورن بود. او یکی از بنیانگذاران ادبیات علمی - تخیلی در غرب محسوب می‌شود.^(۸) باید توجه داشت که او در دورانی کتاب می‌نوشت که هنوز نام «علمی - تخیلی» برای این گونه داستانهای علمی ابداع و انتخاب نشده بود. این کار به وسیله 'هوگو گرنسبک'^(۹) در دهه 'دوم قرن بیستم انجام شد. تمام آثار ورن به فارسی ترجمه شده‌اند، گاه به طور کامل و اغلب مثله شده، آن هم به دور از ظرافتها و اصول ترجمه. بیشتر این مترجمان با بینش و تفکر علمی - تخیلی بیگانه بودند و به صورت تخصصی با این شاخه ادبی روبه‌رو نمی‌شدند.

به غیر از ژول ورن، بعضی کتابهای جک لندن مانند «پاشنه آهنین» و «طاعون سرخ» - که با بینش ضدآرمانشهری و توجه به «دوران پس از فاجعه» نوشته شده است - ترجمه شده و تاثیر خوبی برجا گذاشتند. در ضمن می‌توان به کتاب «سفرنامه کالیور»^(۱۰) و آثار ولتر مانند «میکرو مگاها» و «کاندید»^(۱۱) اشاره کرد. تعدادی داستان کوتاه ترجمه‌ای و مقاله (به ویژه درباره 'بشقاب برنده‌ها) از ذبیح‌الله منصوری نیز باقی مانده است.^(۱۲)

با پیشرفت جهشی هنر هفتم، یعنی سینما، که به شدت مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت و با حضور گسترده تفکر علمی - تخیلی در این عرصه، ناکهان اندیشه علمی - تخیلی جدید به وسیله فیلم و سینما وارد ایران شد. این فیلمها که عده زیادی آنها را به غلط «فیلمهای فضایی» می‌نامند، نظر همه، به ویژه جوانان را جلب کرد. از میان این فیلمها مجموعه 'پیشازان فضا' - که هنوز هم در آمریکا تولید می‌شود - و فیلم '۲۰۰۱، یک اودیسه'

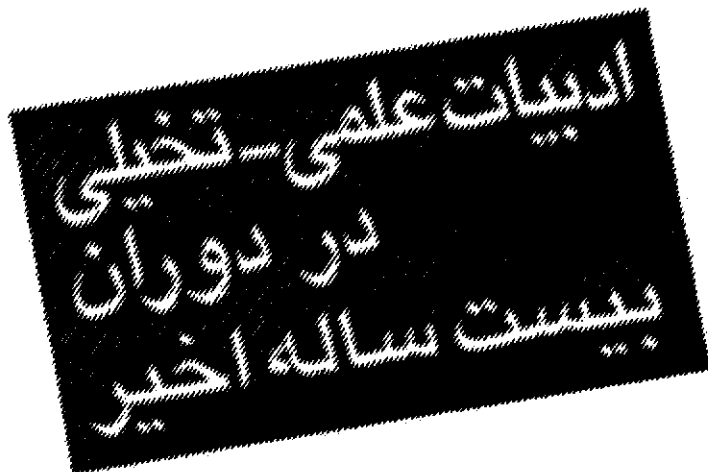
فضایی» از مقبولیت ویژه‌ای برخوردار شدند. در سال ۱۳۴۹ انتشارات جیبی کتاب «راز کیهان» نوشته 'آرتورسی. کلارک' را به ترجمه پرویز دوابی چاپ کرد. «راز کیهان» در اصل همان کتاب «۲۰۰۱، یک سفر فضایی» نوشته 'آرتورسی. کلارک' است که به وسیله 'استانلی کوبریک' به فیلم تبدیل شد، فیلمی که همیشه در خاطر علاقه‌مندان به سینمای علمی - تخیلی باقی خواهد ماند. این کتاب مهمترین اثر ترجمه شده علمی - تخیلی پیش از انقلاب است و تاثیر آن بر علاقه‌مندان، مترجمان و نویسندگان داستانهای علمی - تخیلی کنونی ایران انکارناپذیر است. همچنین می‌توان از کتابهای «شهر طلا و سرب» و «برکه آتش» نوشته جان کریستوفر نام برد که با توجه به گرایش آنها به گروه سنی نوجوان به وسیله 'کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان' به چاپ رسیدند. از همین جا بود که ترجمه 'آثار علمی - تخیلی کم کم شروع شد و با استقبال خوانندگان روبه‌رو شد.

در زمینه 'تالیف نزدیکترین آثار به ادبیات علمی - تخیلی، بعضی کتابهای صادق هدایت است که عبارتند از: «پیش از آدم»، «میمونهای کوه دماوند» و «گاف، لام، میم» البته به شرط آن که نیهیلیسم و پوچگرایی را از آن داستانها جدا و دور کنیم، چراکه ادبیات علمی - تخیلی به لحاظ ماهوی با نیهیلیسم همگرایی ندارد. بنابراین در زمینه آثار تالیفی علمی - تخیلی در دوران پیش از انقلاب، ایران دچار فقر جدی بود.

به این ترتیب ادبیات علمی - تخیلی گرچه پیش از انقلاب و طی دورانی سی ساله ظاهر شد، اما وجودش بیشتر مدیون فیلم و سینما بود و به لحاظ ادبی نه به یک جریان تبدیل شد و نه چیزی برای نقد و بررسی داشت و در این زمینه نه مجله‌ای چاپ می‌شد و نه انجمن یا کانون وجود داشت، حتی مترجم یا نویسنده‌ای که به طور تخصصی در این زمینه کار کند، وجود نداشت.

۵ - تحولات ادبیات علمی - تخیلی پس از انقلاب اسلامی

یکی دو سال پس از انقلاب و در پی وقعه‌ای کوتاه، بار دیگر ترجمه داستانها و رمانهای علمی - تخیلی با حرکتی آهسته شروع شد. مترجمان - که تعدادشان کم بود - جسته



و گریخته کتابهایی از آرتور سی. کلارک و ایزاک آسیموف را ترجمه کردند. به این ترتیب تا چند سال، سالی ۲ تا ۵ عنوان کتاب علمی - تخیلی ترجمه و منتشر می شدند. حرکت پسندیده و مؤثر دیگر، اقدام مجله 'دانشمند' بود که افزون بر چاپ ویژه نامه 'علمی - تخیلی، چند داستان کوتاه علمی - تخیلی ترجمه ای را نیز به چاپ رساند. این مجله که در آن دوران جایگاه ویژه ای میان دانشجویان و دانش پژوهان داشت، علاقه جوانان را به این داستانها برانگیخت و به طور غیر مستقیم بر روند رشد این آثار در بازار کتاب تاثیر گذاشت. ظاهراً مجله 'دانشتنها' که مورد علاقه جوانان بود نیز چند داستان کوتاه در همان سالهای ابتدایی نشر خود به چاپ رساند و در همین مدت هم، فیلمهای علمی - تخیلی، کماکان به تاثیرگذاری و جلب و جذب جوانان به سوی اندیشه و تفکر علمی - تخیلی ادامه می دادند.

اما تحول اساسی از حدود ده - دوازده سال پیش آغاز شد، زمانی که تعدادی از همان جوانان علاقه مند به داستانها و فیلمهای علمی - تخیلی به طور جدی به کار ترجمه این گونه کتابها همت گماشتند و اغلب به یک یا دو کار بسنده نکردند. ناشران نیز که با موج علاقه نوجوانان و جوانان به این شاخه ادبی روبه رو شده بودند، به نشر آثار ترجمه آنان پرداختند.

تعدادی از این مترجمان عبارتند از: پیمان اسماعیلیان خامنه، محمد قصاع، ناصر بلیغ، حسین ابراهیمی (لوند)، هوشنگ غیائی، حسن اصغری و شهریار بهترین. البته مترجمان دیگری هم هستند که یک یا دو کار ارائه داده اند، اما معرفی تمام آنها در این مختصر امکانپذیر نیست. در همین زمینه مهمترین ناشران عبارتند از: نشر افق، شقایق، نقطه، پاسارگاد و مرکز چاپ و نشر بنیاد. بعضی ناشران نیز یک یا دو کار علمی - تخیلی به چاپ رسانده اند، ولی نه به صورت حرفه ای و تخصصی.

به این ترتیب تعداد زیادی عناوین جدید از کتابهای علمی - تخیلی به خوانندگان عرضه شد و هنوز هم عرضه می شود. از طرفی با ترجمه اغلب آثار کلارک و آسیموف و به دلیل توجه و نیاز خوانندگان، اکنون از نویسندگان دیگری که اغلب در غرب، از جایگاه بالایی برخوردارند،

کتابهایی ترجمه شده و می شود؛ از جمله ری برادبری، روبرت سیلوربرگ، هیلین، اچ. جی. ولز و بل اندرسون. اما در زمینه داستانهای کوتاه، افزون بر چاپ کتابهای مجموعه ای، مجلات نیز گاه و بیگاه داستانهای چاپ کرده اند، اما نه به صورت منظم و همیشگی.

تا آنجا که نگارنده مطلع است، به غیر از آثار ژول ورن، تا کنون بیش از صد عنوان کتاب علمی - تخیلی در ایران چاپ شده است که به جز تعدادی انگشت شمار، همگی مربوط به دوران پس از پیروزی انقلاب، به ویژه ده تا هشت سال اخیر هستند. بنابراین در زمینه ترجمه و چاپ آثار علمی - تخیلی بدون تردید شاهد رشد بوده ایم، گرچه چنین رشدی برای کشوری با جمعیت بیش از ۶۰ میلیون نفر که نیمی از آن را جوانان تشکیل می دهند، بسیار ناچیز است، اما این رشد چون بدون پشتوانه پیش رفته است، حتی در همین میزان هم رضایت بخش است.

۶ - نقاط ضعف روند رشد ادبیات علمی - تخیلی

اندیشه و جریان رشد ادبیات علمی - تخیلی در ایران دچار سه نقطه ضعف اساسی نیز هست:

الف - عدم وجود انجمن یا کانون و مجله ویژه این شاخه ادبی. هم اکنون در آمریکا و کشورهای اروپای غربی و شرقی مجله های علمی - تخیلی با شمارگان بسیار زیاد و عناوین متنوع چاپ و نشر می شوند، اما در ایران چنین مجله ای وجود ندارد. تلاش نگارنده این مقاله و همفکران نیز در این زمینه تاکنون با شکست روبه رو شده است. ناگفته نماند که بعضی مجلات از جمله «ادبیات داستانی» که گاه با چاپ ویژه نامه و یا اختصاص چند صفحه به چاپ داستان علمی - تخیلی یا مقالات تحلیلی در حد توان و فضای مجاز در مجلات کمکیایی کرده اند، که البته کافی نیست.

از انجمنهای و کانونهای علمی - تخیلی به شیوه ای که در غرب بسیار رایج هستند، اثری وجود ندارد. این انجمنها مکانی برای تبادل افکار، بحث و نقدنظرات و حتی ارائه نظریه های علمی هستند به گونه ای که تعدادی از آنها با مراکز تحقیقاتی مهم دنیا از جمله ناسا در ارتباطند. همین

ادبیات علمی - تخیلی
در دوران
بیست ساله اخیر

انجمنها با اهدای جوایز به نویسندگان و هنرمندان به گسترش هنر و ادبیات و اندیشه علمی-تخیلی کمکهای انکارناپذیری می کنند.

ب- کمبود آثار تالیفی. ظهور و رشد ادبیات علمی-تخیلی جدید، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مدیون آثار ترجمه ای است. با گذشت زمان، اشتیاق خوانندگان باعث رشد ترجمه کتابهای جدید علمی-تخیلی غربی شد. اما بسیار طبیعی است که نویسندگان غربی کتابهایشان را با توجه به اصول فرهنگی، فکری، اجتماعی، اخلاقی و حتی سیاسی و اعتقادی خود می نویسند. و طبیعی است که گاه اصول مورد توجه آنها با فرهنگ اسلامی-ایرانی تفاوت داشته باشد.^(۱۳)

به طور مختصر اشاره شد که در ادبیات کهن پارسی ردی قوی از داستانهای علمی-تخیلی و فانتزی (تخیلی) وجود دارد که انکارناپذیر است. ولی این امر به دلیل انقطاع یا گسستگی تاریخی نادیده گرفته می شود.

از طرفی دیگر، یکی از وظایف ادبیات علمی-تخیلی جست و جو، و یافتن و پیش بینی مشکلات بشری در آینده های دور و نزدیک و پیدا کردن راه حل های آن است که از این لحاظ ماهیتی انسانی دارد و درست به همین دلیل با دین و مذهب بیگانه نیست. هستند نویسندگانی غربی که میانه خوبی با مذهب ندارند، اما مترجمان ایرانی تاکنون کتابی از آنها ترجمه و چاپ نکرده اند.

آیا می توان آرتورسی، کلارک را فردی ضد مذهبی نامید؟ کتابهای «پایان طفولیت»، مجموعه چهار جلدی «اودیسه»ها^(۱۴) و مجموعه چهار جلدی «راما»ها^(۱۵) و «ریشتر ۱۰»^(۱۶) مفاهیمی عرفانی ارائه می دهند. اصولاً کسانی که دارای اندیشه و ذهنیت علمی-تخیلی هستند، به هستی با دیدی کلان می نگرند. هیچ دید کلانی به هستی، با مفاهیمی مانند شعور مطلق حاکم بر هستی، خودآگاهی هستی، ذات هستی، روح هستی و یا در نهایت با مفهوم خدا بیگانه نیست.

شاید مهمترین ابزار برای رفع بینشهای غلط، ارائه آثار تالیفی با مشخصات و خصوصیات فرهنگی-اعتقادی و منطبق بر افکار ایرانی-اسلامی باشد. همین جا است که با ضعف عمده این شاخه ادبی در ایران رویه رو می شویم.

نگارنده با وجود پیگیری و جست و جوی فراوان، به غیر از چند داستان که با کمی اغماض و صرف نظر از بعضی مسائل تخصصی شاید بتوان علمی-تخیلی نامیدشان، هیچ اثر تالیفی در پیش از انقلاب نیافت. در ده سال ابتدای انقلاب نیز به غیر از دو اثر از آقایان محمود حکیمی و خلخالی که فقط برای ایجاد جذابیت از تعدادی عناصر داستانی علمی-تخیلی استفاده کرده بودند، چیزی یافت نشد. این آثار نیز به لحاظ محتوایی، علمی-تخیلی نبودند، بلکه ماهیتی سیاسی-دینی-عقیدتی داشتند.

با افزایش آثار علمی-تخیلی و ایمان جوانان ایرانی به توانایی و خلاقیت خود، لزوم خلق آثار تالیفی بر کارشناسان آشکار و مسلم شد و کم کم تعدادی از نویسندگان که متوجه علاقه جوانان به این شاخه ادبی شده بودند، تلاش کردند از این قالب برای نوشتن داستان استفاده کنند، اما هیچ یک از این آثار به جز پوسته ای نازک، شباهتی با آنچه ادبیات علمی-تخیلی نامیده می شود، نداشت.

خوشبختانه طی دو سال اخیر این طلسم شکسته شد و نخستین بار تعداد انگشت شماری کتاب رمان و داستان کوتاه در این زمینه، در مجلات به چاپ رسیدند.

شاید شروع واقعی این راه را بتوان کتاب «جهش، خاطرات روز بعد» نوشته نگارنده این مقاله، که توسط نشر البرز چاپ شد، دانست. بنده در این کتاب علاوه بر توجه محتوایی به ادبیات علمی-تخیلی و رعایت اصول این شاخه ادبی، به اصول فرهنگی شرقی-اسلامی نیز توجه کرده ام. در ضمن داستان کوتاه «تماس» این جانب نیز در مجله «ادبیات داستانی» چاپ شده است.

کتاب دیگری را که می توان مورد توجه قرار داد، «آخرین بنیاد کهکشانی» ترجمه و تالیف داوود ارکانی است. این اثر با وجود نقطه ضعف خود کوچک بینی فرهنگی، به هر حال در گوشه ای از طیف ادبیات علمی-تخیلی جای دارد و از این بابت جای خوشحالی است.

در ضمن تعدادی داستان کوتاه نیز اینجا و آنجا در مجلات چاپ شده اند که متأسفانه به دلیل عدم دسترسی به منابع، از ذکر نام آنها خودداری می شود.^(۱۸)

هنوز هیچ یک از استادان محترم دانشگاهها حتی یک داستان کوتاه علمی-تخیلی به رشته تحریر درنیاورده‌اند. حتی در رشته‌های ادبیات فارسی یا انگلیسی نیز یک واحد به بررسی ادبیات علمی-تخیلی اختصاص نیافته است، و این امر فقط دو دلیل می‌تواند داشته باشد: اول ناآگاهی یا بی‌توجهی عمدی به این شاخه مهم ادبی و دوم به رسمیت نشناختن این قالب داستانی. وضعیت در زمینه سینما و فیلمنامه نویسی که خود فرزندان ادبیات هستند، به همان اندازه تاسف‌انگیز و ناچیز است.

پ - سومین نقطه ضعف این شاخه ادبی نوعی غربزدگی ضعیف است که بیشتر از ذهنیت شرطی شده و عادت خوانندگان و مترجمان و نویسندگان برمی‌خیزد.

متأسفانه علاقه‌مندان ایرانی به علت آنکه بیست سال رمانهای ترجمه‌ای علمی-تخیلی خوانده‌اند یا فیلمهای علمی-تخیلی آمریکایی و اروپایی تماشا کرده‌اند و چون در این گونه داستانها پیوسته با اسامی فرنگی اشخاص و شهرها، دستگاهها و اصطلاحات روبه‌رو بوده‌اند، به سختی می‌توانند داستانی با اسامی و اصطلاحات ایرانی را بخوانند و علمی-تخیلی بودن آن را بپذیرند.

این نقطه ضعف حتی در میان ناشران، منتقدان و حتی بعضی نویسندگان نیز مشاهده می‌شود. برای مثال در کتاب «آخرین بنیاد کهکشان» نویسنده نه تنها به خواننده عادی اجازه نمی‌دهد آنچه را که تالیف کرده از داستانهای ترجمه‌ای تشخیص دهد، بلکه در داستانها از اسامی غربی نیز استفاده کرده است. چرا؟ مگر ایرانی نمی‌تواند دانشمند باشد؟ یا روزی به فضا دست یابد؟ یا روزی دوباره جایگاه علمی خود را در جهان بازیابد؟ مگر در آمریکا همین ادبیات علمی-تخیلی نبوده است که دو نسل را به سوی علم و تحقیق جذب کرد و به دانشمندان برجسته تبدیل کرد؟ چرا تعداد زیادی از دانشمندان آنها پیش یا پس از بازنشستگی به نوشتن داستانهای علمی-تخیلی می‌پردازند؟

خوشبختانه زمینه برای زدودن این تصور اشتباه از ذهن خوانندگان و علاقه‌مندان به داستانهای علمی-تخیلی فراهم شده است و این امر فی‌نفسه قدمی به پیش است.

ضمناً به تازگی کتاب «عناصر ادبیات علمی-تخیلی» با ترجمه و گردآوری خیام فولادی، از سوی نشر نی چاپ شده است و صرفنظر از ویژه‌نامه‌های مجلات «دانشمند» و «ادبیات داستانی» این کتاب نخستین کتاب در زمینه نقد و تحلیل ادبیات علمی-تخیلی در ایران است.

از آنجا که نقاط ضعف شناسایی شده‌اند و خوشبختانه قدمهایی برای رفع آنها برداشته شده است، امید می‌رود به زودی به کمک نویسندگان دیگر و اهل مطبوعات و خوانندگان تحولی ایجاد شود و ایرانیان که خود را صاحب هنر می‌دانند، باز دیگر این ادعای حق را به اثبات برسانند.

۷- وضعیت کنونی

بدون تردید ادبیات علمی-تخیلی در ایران، در دوران بیست سال اخیر از رشد و تحول مثبت برخوردار بوده است، هرچند که سرعت و میزان این رشد و تحول اندک و آهسته بوده است. در زمینه ترجمه، به لحاظ تعداد مترجمان، ناشران و علاقه‌مندان به کتابها، فیلمها و اندیشه علمی-تخیلی به نقطه قابل قبولی رسیده‌ایم، هرچند که هنوز کافی نیست و به کار زیادی نیاز است تا به پای دیگران برسیم.

در زمینه تالیف داستانی خوشبختانه نیاز به خوبی احساس شده و آثاری نیز به چاپ رسیده است. در مقالات نقد و تحلیل نیز تحولی مشاهده می‌شود. نگاهی به همین مجله «ادبیات داستانی» با ویژه‌نامه علمی-تخیلی آن و مقالات مهرداد تویسرکانی در شماره‌های ۴۸ و ۴۹ علاقه‌مندان را امیدوار می‌کند.

اما هنوز جای مجله‌ای علمی-تخیلی خالی است. در زمینه سینما و تلویزیون هم هیچ کار علمی-تخیلی ارائه نشده است. این شاخه ادبی هنوز در دانشگاهها و انجمنهای ادبی به رسمیت شناخته نشده است.

۸- مقایسه

با وجود آنکه جریان تحول ادبیات علمی-تخیلی در ایران روندی رشد‌یابنده بوده است، در مقایسه با پیکره

اصلی ادبیات داستانی یا Main Stream بدون تردید به جایگاه شایسته خود دست نیافته است. کتابهای ترجمه‌ای و تالیفی علمی-تخیلی به لحاظ تعداد عنوان و شمارگان به هیچ وجه با بقیه پیکره ادبیات داستانی قابل مقایسه نیست، که البته تقصیر این امر برعهده نویسندگان، مترجمان، دانشمندان و اندیشمندان و ناشران ایرانی است، نه خوانندگان؛ چرا که آنها همواره چشم به راه کتابهای جدید بوده‌اند و هستند. □

توضیحات

۱. منظور همان Main Stream است.

۲. خوانندگان محترم برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره می‌توانند به مراجع زیر مراجعه فرمایند: ویژه‌نامه مجله «دانشمند»، سال بیست و هفتم، آذر ۶۸؛ شماره ۲۸، ویژه‌نامه مجله «ادبیات داستانی»؛ ویژه‌نامه «پیام یونسکو» با نام علم و افسانه علمی؛ مقدمه مختصر کتاب «ملاقات با رام» نوشته آرتورسی. کلارک، ترجمه محمد قصاب؛ مقدمه مختصر کتاب «جهش، خاطرات روز بعد»، نوشته محمد قصاب؛ دایرة‌المعارف «ویبستر»، چاپ سوم، صفحه ۲۰۲۲ به زبان انگلیسی؛ دایرة‌المعارف علمی تخیلی، Encyclopedia of Science Fiction By John

۳. ری برادبری از خاصیت ایجاد شگفتی در داستانهای ترسناک یا Horror استفاده کرده و صاحب سبک است.

۴. باید توجه داشت که ادبیات علمی-تخیلی ریشه در داستانهای فانتزی باستانی و اسطوره‌ها دارد. اما با گسترش ادبیات علمی-تخیلی، نوع جدیدی از ادبیات فانتزی از بطن آن به وجود آمد. نویسندگان این گونه داستانها اغلب خود را علمی-تخیلی نویس می‌دانند زیرا پیوسته از عناصر داستانی علمی-تخیلی استفاده می‌کنند؛ اما هستند کارشناسانی که برای ادبیات فانتزی جدید هویتی مستقل قائل شده‌اند. مزید اطلاع، هنوز هیچ کتاب فانتزی از این دست به زبان فارسی ترجمه یا تألیف نشده است!

۵. یا: زمینگونه‌سازی، به معنی قابل حیات کردن سیارات مرده.

۶. در این باره خوانندگان محترم می‌توانند به مقاله «ادبیات علمی-تخیلی در ایران» نوشته محمد قصاب، در صفحه ادب و هنر روزنامه «کیهان» مورخ ۱۹ تا ۲۶ مهر ۱۳۷۶ مراجعه فرمایند، تا بهتر با مشکل انقطاع یا گسستگی تاریخی آشنا گردند.

۷. هستند کسانی که ادبیات علمی-تخیلی را حیات خلوت و

تفریحگاه علم و دانشمندان می‌داند و تلاش می‌کنند آن را به لحاظ ماهوی علم بدانند، اما چنین ادعایی چیزی جز اغراق نیست، زیرا داستان علمی-تخیلی به مراحل داستان است و به لحاظ ساختاری و محتوا در پهنه ادبیات می‌گنجد، نه در عرصه علم (به معنی Science). ولی بدون تردید ادبیات علمی-تخیلی نقطه تماس علم و ادبیات است و به همین لحاظ از شکوه و زیبایی خاصی برخوردار است. با توجه به این نکته فقط نویسندگان توانایی مانند ری برادبری و استفن کینگ و دانشمندان برجسته‌ای مانند آرتورسی. کلارک، ایزاک آسیموف و گری گوری بنفورد می‌توانند در این وادی قلم بزنند.

۸. نکته جالب این است که آنچه سینما نامیده می‌شود، با فیلم «سفر به ماه» نوشته ژول ورن شروع شد و این مسأله پیوند عمیق سینما و تفکر علمی-تخیلی را نشان می‌دهد، پیوندی که ادامه دارد و هنوز هم در سینما در فیلمهای علمی-تخیلی به اوج خود می‌رسد.

Hugo Grensbeck. ۹

۱۰. ترجمه منوچهر امیری، چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول ۱۳۲۵، چاپ دوم ۱۳۴۳.

۱۱. کتاب «کاندید»، ترجمه حسن شهبان.

۱۲. صرفنظر از کیفیت کار او، توجه ایشان به چنین مطالبی فی نفسه قابل تحسین است.

۱۳. ویژه‌نامه علمی-تخیلی مجله «دانشمند». ویژه‌نامه شماره ۲۸، سال بیست و هفتم، آذر سال ۱۳۶۸.

۱۴. البته جریان اصلی ادبیات علمی-تخیلی به لحاظ ماهیت علمی حالت فراملیتی و فرافرنگی دارد و اغلب نویسندگان هم چون به آینده و علم توجه دارند، بینشی فرافرنگی دارند و به عمد با هیچ کس، هیچ فرهنگ یا دین یا اندیشه‌ای به ستیز بر نمی‌خیزند، مگر هنگام طرح و بحث درباره مسأله علمی که خیلی رک مسأله خود را مطرح می‌کنند.

۱۵. الف - «راز کیهان»، ترجمه پرویز دواپی، چاپ نشر جیبی

ب - «۲۰۱۰، اودیسه ۲»، ترجمه جواد فاضل، نشر سروش

«۲۰۶۱، اودیسه ۳»، جواد فاضل، نشر فاخته

«۳۰۰۱، آخرین اودیسه»، پیمان اسماعیلیان خامنه، نشر نقطه

۱۶. «ملاقات با رام»، ترجمه محمد قصاب، نشر افق

«راما ۲»، ترجمه ناصر بلیغ، نشر نقطه

«باغ رام»، ترجمه ناصر بلیغ، نشر نقطه

«راز رام»، ترجمه ناصر بلیغ، نشر نقطه

۱۷. «ریشتر ۱۰»، نوشته آرتورسی. کلارک، ترجمه محمد

قصاب، چاپ نشر البرز

